

مطالعه تطبیقی قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس از منظر تعارض قوانین

سید محمد صادق طباطبائی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۰۶

دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

تاریخ تأیید: ۹۳/۰۶/۲۹

قادر شنینور^۲

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی

چکیده

یکی از مسائل مهم حقوق بین‌الملل خصوصی، جبران خسارت ناشی از حوادث زیانبار است. حقوق بسیاری از کشورها در این خصوص مقررات خاصی دارند و به تبیین مسائل مربوط به مسئولیت مدنی پرداخته‌اند. نگاه اجمالی به مقررات موضوعه حاکی از این است که بسیاری از آن‌ها از حقوق انگلیس پیروی کرده‌اند. در این کشور سالیان متمادی قاعده تجانس و همانندی حاکم بود ولی با تصویب مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی، قاعده مزبور جای خود را به قاعده محل وقوع فعل زیانبار داد. در حقوق ایران نسبت به تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی قاعده خاصی وجود ندارد، لیکن مقنن می‌تواند همانند حقوق انگلیس قاعده محل وقوع را مینا قرار دهد و در موارد استثنائی قانون مناسب را به اجرا گذارد. واژگان کلیدی: تعارض قوانین، قانون مناسب، قانون محل وقوع فعل زیانبار، قاعده تجانس و همانندی، قانون مقر دادگاه

مقدمه

جبران خسارت متضرر از حوادث و وقایع قهری، رسالت بنیادین مسئولیت مدنی است و تحقق هدف مزبور از طریق وضع و حاکمیت قانونی مناسب امکان‌پذیر است. این دغدغه تنها به حقوق داخلی محدود نمی‌شود، بلکه در صورت دخالت عنصر خارجی در دعوی متنازع فیله تعیین قانون حاکم بر دعوا اهمیت خاصی پیدا می‌کند. با وجود این وضع قواعد حل تعارض حاکم بر مسئولیت مدنی و تعیین قانون حاکم بر آن، از پیچیده‌ترین و دشوارترین مسائل مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی است. رشد صنعت و پیشرفت تکنولوژی در کنار دگرگونی‌های خیره‌کننده صنعتی، روابط سنتی انسان‌ها را متحول ساخته است. از طرفی ظهور وسایل نوین حمل و نقل

1. Email: tabatabaei@ase.ui.ac.ir

« نویسنده مسئول »

2. Email: ghadersheneivar@yahoo.com

همچون اتومبیل‌ها، هواپیماها، کشتی‌ها و ... موجب اهمیت بیش از پیش مسائل مربوط به مسئولیت مدنی در عرصه بین‌المللی گردیده است. تنوع روابط حقوقی مربوط به مسئولیت مدنی (روابط کارگر و کارفرما - روابط تولیدکننده و مصرف‌کننده - روابط راننده و متضرر از تصادف) بر دشواری مسائل مربوط به مسئولیت مدنی افزوده است. بنابراین صرف‌نظر از مبتلا به بودن این مسئله، انجام پژوهشی جامع به منظور برطرف نمودن نیازهای علمی لازم و ضروری است. به علاوه مسائل مزبور کمتر در حقوق داخلی مورد بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین پرسش پیرامون مسائل مربوط به مسئولیت مدنی در عرصه حقوق بین‌الملل خصوصی قانون حاکم بر مسئولیت مدنی است. به عبارت دیگر، قاضی داخلی در صورت طرح پرونده‌ای در خصوص مسائل مربوط به مسئولیت مدنی ناگزیر از تعیین قانون حاکم بر دعوا است و در این بین از میان قانون مقر دادگاه، قانون محل وقوع فعل زیانبار و قانون مناسب کدام قانون را به عنوان قانون حاکم بر دعوی برگزیند؟ در این خصوص پرسش‌هایی فرعی نیز مطرح می‌گردد از جمله، در صورتی که ارکان و عناصر موجود در پرونده با قانون کشور ثالثی (قانونی غیر از قانون ملی طرفین دعوا) مرتبط باشد، آیا قاضی می‌تواند قانون کشور مزبور را جایگزین قانون صالح نماید؟ آیا متعاقبین می‌توانند با تراضی یکدیگر قانون حاکم بر مسئولیت مدنی را تعیین نمایند؟

با توجه به سکوت قانون مدنی ایران، در حال حاضر با اتکاء به ماده ۵ قانون مدنی قانون مقر دادگاه، قانون حاکم بر دعوی مربوط به مسئولیت مدنی است. با وجود این می‌توان راه‌حل دیگری را بدین صورت ارائه داد: در صورت وضع قواعد حل تعارض در زمینه مسئولیت مدنی بهتر است قانون محل وقوع فعل زیانبار قانون حاکم بر دعوا باشد و در موارد استثناء، قانون مناسب جایگزین قانون مزبور گردد.

این نوشتار در سه قسمت بحث را دنبال می‌کند: در قسمت نخست، قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس؛ در قسمت دوم قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران بررسی می‌شود؛ و سرانجام در قسمت سوم با مقارنه و تطبیق قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس، بحث پایان می‌پذیرد.

۱- قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس

قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در رویه قضایی انگلیس دارای پیشینه‌ای طولانی است و بیش از صد سال از تعیین قاعده‌ای مشخص در این مورد می‌گذرد. رویه قضایی انگلیس در ابتدا قاعده تجانس و همانندی را به عنوان قاعده حاکم بر دعوی مسئولیت مدنی برگزید، لیکن با گذشت زمان

دادگاه‌ها به این نتیجه رسیدند که اعمال قاعده مزبور منجر به نتایج نامطلوب و ناعادلانه‌ای می‌گردد. لذا به کرات از اعمال قاعده مزبور خودداری نمودند و قواعد دیگر را جایگزین قاعده مزبور ساختند. با این وجود، این قاعده تا پیش از تصویب مقررات سال ۱۹۹۵ به حیات خود ادامه داد و با تصویب قانون حقوق بین‌الملل خصوصی قاعده محل وقوع محل زیانبار جانشین قاعده مزبور گردید. البته بررسی رویه قضایی دادگاه انگلیس از چند جهت واجد اهمیت است: نخست، بر طبق قانون حقوق بین‌المللی خصوصی دادگاه‌های انگلیس در خصوص دعاوی افترا ناگزیر از اعمال رویه قضایی کامن‌لا هستند و مجاز نیستند بر طبق قاعده محل وقوع فعل زیانبار دعاوی را حل و فصل نمایند. دوم، قانون حقوق بین‌المللی خصوصی انگلیس از تاریخ اول می ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا گردیده است و عطف به ماسبق نمی‌گردد و در خصوص دعاوی پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون مزبور، قاعده تجانس و همانندی حاکم می‌باشد (O'Brien, 1999: 373). این گفتار مشتمل بر دو بند است: در بند نخست رویه قضایی دادگاه‌های انگلیس در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بند دوم قانون حقوق بین‌المللی خصوصی مورد تحلیلی قرار می‌گیرد.

۱-۱- رویه قضایی انگلیس

مطالعه رویه قضایی انگلیس در جهت تبیین قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی و مسیر تاریخی آن و چگونگی شکل‌گیری این قواعد در حقوق این کشور امری لازم و ضروری است بر این اساس این بند را به مطالعه رویه قضایی اختصاص می‌دهیم.

۱-۱-۱- قاعده تجانس و همانندی

رویه قضایی دادگاه‌های انگلیس در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی به دو شیوه مختلف عمل می‌کرد: شیوه نخست، هنگامی که فعل زیانبار در قلمرو دریایی، هوایی و زمینی کشور انگلیس واقع می‌شد؛ که در این صورت قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی قانون انگلیس بود و اعمال قانون خارجی منتفی بود. شیوه دوم، هنگامی که فعل زیانبار در خارج از قلمرو کشور انگلیس رخ می‌داد.

در خصوص حالت اول، هنگامی که فعل زیانبار در انگلستان رخ می‌داد، قانون انگلیس را اعمال می‌کردند حتی اگر طرفین دعوا هیچ‌گونه ارتباطی با قانون انگلستان (قانون محل وقوع فعل زیانبار) نداشتند. این قاعده برای نخستین بار در دعوایی اعمال شد^۱. خلاصه جریان پرونده

1. Szalatay - Stochov fink

بدین صورت بود که خواننده تبعه چکسلواکی و ساکن انگلیس بود و اسنادی توهین‌آمیز را برای رئیس جمهور چکسلواکی که مقیم انگلستان بود ارسال نمود. خواهان مدعی رفتار غیرمناسب خواننده شد. دادگاه انگلیس قانون انگلیس را قانون حاکم بر دعوا دانست؛ چرا که فعل زیانبار (افترا) در قلمرو کشور انگلستان واقع گردیده بود. این اصل در دعوای دیگر مورد تأیید قرار گرفت^۱ در خصوص حالت دوم، هنگامی که فعل زیانبار در خارج از انگلستان تحقق می‌یافت قاعده تجانس و همانندی حاکم بود (O'Brien, 1999: 375).

طبق قاعده مزبور خواهان در صورتی می‌توانست دعوای مسئولیت مدنی را به طرفیت خواننده اقامه نماید که خواننده مطابق قانون محل وقوع فعل زیانبار و بر اساس قانون مقر دادگاه مسئولیت داشته باشد. به عبارت دیگر دعوای مسئولیت مدنی در صورتی قابلیت استماع را داشت که فعل صورت گرفته توسط خواننده طبق قانون مقر دادگاه و قانون محل وقوع فعل زیانبار غیرمجاز و غیرعادلانه باشد. این قاعده برای نخستین بار در دعوای فلیس به طرفیت آیری^۲ در سال ۱۸۹۷ مورد پذیرش قرار گرفت و مقرر گردید: «به عنوان یک قاعده کلی برای اقامه دعوای مسئولیت مدنی در خصوص تقصیری که در خارج ارتکاب یافته است باید دو شرط وجود داشته باشد. نخست، تقصیر پایه آن چنان خصوصیتی داشته باشد که اگر در انگلیس اتفاق می‌افتاد قابلیت اقامه دعوا (در دادگاه) را داشت. دوم، عمل صورت گرفته بر طبق قانون محل وقوع غیرقابل توجیه باشد»^۳ (Collier, 2001: 222). برای تحقق قاعده تجانس و همانندی دو شرط لازم بود: اتحاد خواهان و اتحاد خواننده. به عبارت دیگر، برای تحقق قاعده فوق اثبات این مسئله که فعل زیانبار بر طبق قانون خارجی موجب مسئولیت است کفایت نمی‌کند، بلکه خواهان باید اثبات کند دعوا بر طبق قانون خارجی به طرفیت همان خواننده قابل مطالبه در دادگاه می‌باشد. به طور مثال در پرونده مری به طرفیت مکسهم^۴ هنگامی که دعوا به طرفیت مالک کشتی در دادگاه انگلستان اقامه گردید و خواهان مدعی ورود خسارت از سوی خواننده به لنگرگاه خود در اسپانیا گردید، دعوای خواهان مورد پذیرش قرار نگرفت. زیرا اگر چه مسئولیتی نیابتی در انگلستان مورد قبول قرار گرفته، اما در اسپانیا پذیرفته نشده است؛ به دلیل آنکه در اسپانیا خدمه

1. Metall and RoshtoffAG V ponadson Lufkin and Jenvetteinc

2. Phillips v Eyre (1897)

3. As a general rule, in order to found a suit in England for a wrong alleged to have been committed abroad, two condition must be full filled. First, the wrong must be of such character that it would have been actionable if committed in England.... Secondly the act must not have been Justifiable by the law of the place where it was done.

4. mary V maxham (1876)

کشتی تنها در برابر کارفرما مسئول هستند و نه در برابر مالک کشتی (اتحاد خوانده). علاوه بر این مورد، اتحاد خوانده در محل وقوع فعل زیانبار و قانون مقرر دادگاه لازم و ضروری است. چنین مواردی را نمی‌توان در حقوق انگلستان یافت ولی می‌توان مشابه آن را در حقوق استرالیا ملاحظه کرد. به طور مثال در پرونده کورکرن به طرفیت کورکرن^۱ هنگامی که خواهان و خوانده ساکن ویکتوریا بودند و اتومبیل نیز در ویکتوریا به ثبت رسیده بود زوجه در نیوست ولز در هنگام رانندگی توسط زوج به علت تقصیر در رانندگی آسیب دید. بر طبق قانون نیوست ولز زوجه نمی‌توانست دعوی خود را به طرفیت زوج اقامه نماید. زیرا زوج مصون از اقامه دعوا بود. اما زوجه در ویکتوریا دعوی خود را اقامه نمود و دادگاه عالی ویکتوریا ادعای زوجه را رد نمود (Mayss, 1996: 144).

با وجود این اعمال قاعده تجانس و همانندی مشکلات فراوانی را ایجاد می‌کند: یکی از این موارد به این مسئله باز می‌گردد که طبق قاعده مذکور، فعل زیانبار باید مطابق قانون محل وقوع غیرقابل توجیه باشد. عبارت «غیرقابل توجیه» در زمان‌های مختلف معانی متفاوتی را داشت. در پرونده فلیپس به طرفیت آیری «رعایت دقیق قواعد اخلاقی و مذهبی» بود و در متون دیگر معانی دیگری ذکر شده بود: ۱- رفتار باید بر طبق قانون مقرر دادگاه، فعل زیانبار شناخته شود. ۲- رفتار باید از حیث مدنی قابل مطالبه باشد. ۳- چنانچه رفتاری از لحاظ مدنی قابل پیگیری و مطالبه نباشد، می‌بایست از لحاظ کیفری خطا محسوب شود، به گونه‌ای که مسئولیت جزایی را ایجاد کند.

معنای اول در پرونده مری به طرفیت مکسهم^۲ بود. که دعوا در مورد خسارت ایجاد شده توسط کارفرما در اسکله‌ای در اسپانیا بود که مقرر گردید کارگران خوانده طبق قانون اسپانیا مسئولیت نیابتی ندارند. بنابراین در انگلیس نیز مسئول نیستند. معنای دوم در پرونده مک اولری به طرفیت مک ایستر^۳ بود؛ هنگامی که شوهر خواهان در اثر حادثه‌ای در انگلیس در حالی که در تجارت‌خانه کارفرما مشغول به کار بود آسیب دید؛ تمام طرفین دعوا تبعه اسکاتلند بودند. زوجه بر طبق چهار قانون اقامه دعوا نمود: ۱- به عنوان اجراکننده وصیت شوهر؛ ۲- طبق قانون اسکاتلند تحت عنوان جبران خسارت؛ ۳- به عنوان قانون اصلاحی انگلیس مصوب ۱۹۳۴ در مورد قائم‌مقامی املاک و قانون اشخاص کشته در تصادفات؛ ۴- بر طبق قانون مربوط به هزینه‌های تشییع جنازه. مورد (۱) قانون محل وقوع فعل زیانبار دعوا قابل مطالبه نبود؛ همچنین

1. corcoran V corcoran

2. Mary V maxham

3. Mcelroy V Mcallister

بر طبق (۲) و (۳) قانون مقر دادگاه، دعوا قابل مطالبه نبود و تنها بر طبق قانون (۴) قابل مطالبه بود و زوجه تنها توانست هزینه‌های تشیع جنازه را مطالبه نماید (Collier, 2001: 223). معنای سوم در پرونده ماچادو به طرفیت فونتس^۱ پذیرفته شد. دعوا در خصوص افترای انجام شده در برزیل بود طبق قانون برزیل خوانده از حیث مدنی مسئول نبود، بنابراین نمی‌توانست از حیث جزایی مورد تعقیب قرار گیرد. وجود مسئولیت کیفری طبق قانون برزیل به این معناست که تهمت به وسیله قانون محل وقوع فعل زیانبار غیرموجه باشد (Ibid).

از دیگر انتقاداتی که به قاعده تجانس و همانندی وارد می‌گردید این بود که ممکن است قانون محل وقوع فعل زیانبار هیچ‌گونه سختی با واقعیت‌های موجود در پرونده نداشته باشد. به طور مثال در دعوای شرکت نفت عربی آمریکایی به طرفیت والتن قانون عربستان سعودی^۲ به عنوان قانون حاکم بر دعوا شناخته شد. خلاصه پرونده بدین صورت بود که کارگری آمریکایی دعوای خسارت را به طرفیت یک شرکت آمریکایی (کارفرما) اقامه نمود. محل وقوع فعل زیانبار عربستان سعودی بود و در نهایت قانون حاکم، قانون عربستان سعودی شد. در حالی که در دعوای یک ملوان اسکاتلندی به طرفیت ناخدای اسکاتلندی به خواسته مطالبه خسارت و زیان وارده در نتیجه تصادف، قانون جمهوری دومینکن حاکم شد زیرا خسارت وارده در محدوده آب‌های سرزمینی کشور مزبور تحقق یافته بود (Obien, 1999: 373); (Mays, 1996: 144). ایراد دیگری که به رویه قضایی انگلیس وارد گردید این بود که خواهان باید دعوای خود را طبق قانون محل وقوع خسارت و قانون مقر دادگاه اقامه نماید و این امر مزیتی به نفع خوانده است که می‌تواند دفاع خود را مطابق هر دو قانون اعمال کند. در نتیجه ممکن است خواهان به کمترین حق خود برسد (Ibid. 97).

۱-۱-۲- استثنائات وارده بر قاعده تجانس و همانندی

اگر چه قاعده تجانس و همانندی قاعده حاکم بر دعوای مسئولیت مدنی انگلیس بود، اما قاعده مذکور هیچ‌گاه به صورت مطلق اجرا نشد و دادگاه‌های انگلیس و کشورهای تابع نظام کامن‌لا در پاره‌ای از موارد، استثنائی را بر آن اعمال نمودند به ویژه در جایی که اعمال قاعده مزبور منجر به نتایج ناعادلانه و غیرمنصفانه‌ای گردید. در ذیل به پاره‌ای از استثنائات مذکور اشاره می‌نماییم.

1. Muchado V fonts
2. Arbia Amrica oil co V Walton

استثناء اول: نخستین استثناء پرونده بویز به طرفیت چاپلین^۱ بود خلاصه جریان پرونده بدین صورت بود که خواهان و خوانده هر دو تبعه انگلیس بودند و در زمان وقوع فعل زیانبار هر دو ساکن مالت بودند. خواهان دعوایی را در دادگاه انگلیس به خواسته مطالبه خسارت اقامه می‌نماید. این در حالی است که بر طبق قانون مالت، خواهان تنها می‌توانست مقدار معینی از خسارت را مطالبه نماید. اما بر طبق قانون انگلیس او می‌توانست مبلغ بیشتری از خسارت را مطالبه کند. در این پرونده پس از کش و قوس‌های فراوان سرانجام مقرر گردید قانون انگلیس قانون حاکم باشد (O'Brien, 1999: 388).

استثناء دوم: استثناء دیگر پرونده جانسن به طرفیت کاونتری چرچیل اینترنشنال^۲ بود. زمانی که خوانده یک کارگر انگلیسی بود و برای کار در خارج از انگلیس (آلمان) استخدام شده بود. خوانده در حین انجام کار ساختمانی آسیب می‌بیند، قانون آلمان هیچ‌گونه مسئولیتی را برای کارفرمای مقصر در برابر خوانده نسبت به خسارت ایجادشده در حین انجام کار در نظر نگرفته بود. خواهان دعوایی را به طرفیت خوانده اقامه نمود و مدعی شد که خوانده هیچ‌گونه سیستم مناسبی را برای وی فراهم نکرده است. گرچه پرونده مزبور با قاعده تجانس و همانندی مطابقت نداشت. اما استثنائاتی بر قاعده مزبور در نظر گرفته شد. بر پایه این استثناء خطای واقع شده در خارج بر طبق قانون انگلیس قابل مطالبه است؛ بنابراین قانون انگلیس به عنوان قانونی که بیشترین ارتباط را با فعل زیانبار و طرفین دعوا داشت اعمال گردید (O'Brien, 1999: 395); (Tiong, 2008: 465); (Collier, 2001: 223); (Mayss, 1996: 144).

استثناء سوم: سومین استثناء در خصوص پرونده‌ای مرسوم به دریای سرخ^۳ بود. خلاصه جریان پرونده بدین صورت است که خواهان‌ها که شریک پروژه ساختمانی بودند دعوایی را به طرفیت شرکت بیمه دریای سرخ که در کشور هنگ کنگ ثبت رسیده بود مطرح کردند. آن‌ها بر طبق بیمه‌نامه برای خسارت و هزینه‌هایی که در نتیجه اصلاح خسارت ساختمانی بود، مدعی خسارت شدند. خوانده (شرکت دریای سرخ) مدعی شد که خسارت مزبور طبق بیمه‌نامه تضمین نشده است. در دعوای مزبور از اجرای قاعده تجانس و همانندی خودداری به عمل آمد و قانون عربستان سعودی (محل وقوع زیانبار) حاکم شد و مقرر شد که نیازی نیست خوانده بر اساس قانون مقر دادگاه و قانون محل وقوع محل زیانبار مسئول باشد (Mayss, 1996: 144).

1. Boys V chaplin
2. Johson V Coventry Churchill international Ltd
3. Red sea insurance V Beuygoues

۱-۲- قانون حقوق بین‌الملل خصوصی (مصوب ۱۹۹۵)

مطالعه قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس در جهت تبیین قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی امری لازم و ضروری است بر این اساس این بند را به بررسی قانون حقوق بین‌الملل خصوصی اختصاص دادیم. در ابتدا قاعده محل وقوع فعل زیانبار را بررسی می‌نمایم و سپس به تحلیل استثنائات وارده بر قاعده می‌پردازیم.

۱-۲-۱- قاعده محل وقوع فعل زیانبار

قانون حقوق بین‌الملل خصوصی^۱ در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید^۲. بخش سوم قانون مزبور از مواد ۹ الی ۱۵ در برگیرنده قواعد حل تعارض حاکم بر مسئولیت مدنی است. این قانون از تاریخ اول می ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا گردید؛ ولی در خصوص افعال زیانبار پیش از تصویب مصوبه فوق نیز لازم‌الاجرا است. به علاوه مطابق شق اول از ماده ۱۳ قانون مزبور برای تعیین قانون حاکم بر افتراء، باید قواعد کامن‌لا را اجرا نمود نه قانون مصوب ۱۹۹۵^۳. همچنین قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۹۹۵ را نمی‌توان در خصوص دعاوی افتراء اجرا نمود. از طرفی طبق ماده ۱۰ قانون مزبور، قاعده تجانس و همانندی در خصوص قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی به موجب این قانون نسخ گردید^۴؛ طبق ماده ۱۱، قانون محل وقوع فعل زیانبار به عنوان قاعده عمومی حاکم بر مسئولیت مدنی تعیین گردید. این ماده مشتمل بر سه بند است و مقرر می‌دارد: «۱- قاعده عمومی این است که قانون حاکم، قانون کشوری است که وقایع شکل گرفته در نتیجه شبه‌جرم و خطا در آن رخ داده است. ۲- وقتی عناصر این وقایع در کشورهای مختلف رخ داده باشد قانون حاکم می‌تواند: الف- برای آن دسته از حوادثی که در مورد خسارت شخصی که به افراد وارد می‌شود یا مرگ

1. private International law (Miscellaneous provision Act, 1995).

۲. تا پیش از تصویب قانون مزبور مقررات متحدالشکل روم دو وجود داشت. در ماده ۱۴ مقررات مزبور، قانون محل وقوع فعل زیانبار را به عنوان قاعده عامی در نظر گرفته بود، ولی در عین حال از امکان توافق طرفین قرارداد در خصوص تعیین قانون دیگر سخن گفته بود. بنابراین در مقررات متحد الشکل رم دو همانند قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس قانون محل وقوع فعل زیانبار را به عنوان قاعده‌ای عام در نظر گرفته است، اما در حقوق انگلیس برخلاف کنوانسیون رم قواعدی در خصوص امکان توافق طرفین قرارداد در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی وجود ندارد و حتی - همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم - برخی در این خصوص از عدم امکان این امر سخن گفته‌اند.

3. 13-(1). Nothing in this part applies to affect the determination of issues arising in any defamation claim.

4. The vules if the common law, in so far as they ... are herby abolished so far as they apply to any claim in tort or delict ...

ناشی از خسارات شخصی، قانون کشوری باشد که شخص متضرر در هنگام تحمل خسارت در آنجا بوده است. ب- در مورد آن دسته از اعمال زیانبار نسبت به خسارت وارده به اموال، قانون کشوری حاکم است که (هنگام بروز خسارت) اموال در آنجا قرار داشته است. ج- در خصوص موارد دیگر، قانون کشوری حاکم است که مهم‌ترین عضو یا عناصر وقایع در آن رخ داده است. ۳- در این بخش، خسارات شخصی در برگیرنده مرض یا ناتوانی فیزیکی یا شرایط روانی است.^۱

با وجود این اعمال (ج) (۲) ۱۱ در مواردی مشکلاتی را ایجاد می‌کند. به طور مثال اگر والدین در انگلستان در حال مشاهده آزار جسمی فرزند خود در تلوزیون باشند، در حالی که فرزند آن‌ها در اسکاتلند است و در نتیجه والدین دچار تیک عصبی شوند ممکن است ادعا شود قانون حاکم بر این دعوا قانون انگلستان است که شوک عصبی به والدین وارد شده است (O'Brien, 1999: 402). ایراد دیگری که ممکن است به ماده ۱۱ گرفته شود این است که اگر طبق قانون خارجی (قانون محل وقوع فعل زیانبار) خواننده در برابر مدعی مسئول نباشد، ادعای خواهان با شکست مواجه می‌گردد (Collier, 2001: 230).

بنابراین با ملاحظه ماده مزبور، مشاهده می‌شود که در پاره‌ای از موارد قاعده عمومی به نفع قانون مناسب کنار گذاشته می‌شود؛ با وجود این، آنچه به نظر می‌رسد این است که فاکتورها و عناصر مذکور در ماده مزبور حصری نیستند و جنبه تمثیلی دارند (O'Brien, 1999: 403). به علاوه مطابق بند اول ماده ۱۲ بدیهی است که جایگزینی قواعد عمومی می‌تواند نتیجه اعمال قانون کشور ثالثی باشد نه الزاماً قانون مقرر دادگاه یا قانون محل وقوع فعل زیانبار (Collier, 2001: 230). همچنین قانون مناسب می‌تواند در چند مورد اعمال گردد: الف- افعال زیانبار در چند کشور مختلف رخ داده باشند. ب- تعیین محل وقوع فعل زیانبار دشوار و غیرممکن باشد. ج- طرفین دعوا هیچ‌گونه ارتباطی با محل وقوع حادثه و وقایع منتهی به فعل زیانبار نداشته باشند (Collier, 2001: 205). بر موارد فوق موردی را هم باید افزود که محل وقوع فعل زیانبار تحت حاکمیت قانون هیچ کشوری نیست (مثلاً دریای آزاد).

1.-11- (1) The general rule is that the applicable law is the law of the country in which the events constituting the tort or delict in question occur. (2) where elements of those events occur in different countries, the applicable law under the general rule is to be taken as being: (a) for a cause of action in respect of personal injury caused to an individual or death resulting from personal injury, the law of the country where the individual was when he sustained the injury; (b) For cause of action in respect of damage to property, the law of country where the property was when it was damaged, and (c) in any other case, the law of country in which the most significant element or elements of those events occurred.

۱-۲-۲- استثنائات وارده بر قاعده محل وقوع فعل زینبار

یکی از ایراداتی که به قاعده تجانس و همانندی وارد می‌گردد، عدم قابلیت انعطاف آن در شرایط مختلف است. قانون حقوق بین‌الملل خصوصی مصوب ۸ نوامبر ۱۹۹۵ قاعده محل وقوع فعل زینبار را به عنوان قاعده‌ای عمومی در نظر گرفته است، ولی استثنائاتی را بر قاعده فعل زینبار به عنوان قاعده‌ای عمومی در نظر گرفته است. با وجود این استثنائات، در پاره‌ای از موارد قانون کشور ثالث جایگزین قاعده عمومی می‌گردد. چنین جایگزینی نتیجه اعمال دکترین قانون مناسب در حقوق انگلیس است که پیش از این در رویه قضایی آمریکا^۱ مورد پذیرش قرار گرفته بود. طبق دکترین مزبور برای تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی باید با در نظر گرفتن شرایط، اوضاع و احوال قانون کشوری که بیشترین نزدیکی و تناسب را با وقایع موجود در دعوا را دارد انتخاب نمود. چنین شرایط و اوضاع و احوالی می‌تواند مواردی از قبیل: تابعیت طرفین، اقامتگاه محل وقوع فعل زینبار، محل اقامت مسبب فعل زینبار، محل عملیات تجاری و ... باشد. با وجود این باید توجه داشت که قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس به هیچ‌وجه قاعده قانون مناسب را به طور مطلق اعمال نکرده است، بلکه با تأسی از حقوق فرانسه قاعده محل وقوع فعل زینبار را اصل و مبنا قرار داده است و در مواردی استثنائی بر قاعده مزبور وارد کرده است ماده ۱۲ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس در این مورد مقرر می‌دارد: «۱- هر گاه از تطبیق عناصر مهم شبه‌جرم یا فعل زینبار قانونی (که بر طبق قواعد عمومی حاکم است با عناصر مهم شبه‌جرم یا فعل زینبار قانون کشور دیگری) چنین به نظر برسد که برای قانون حاکم (در خصوص موضوعات ناشی شده از موارد یا موارد دیگری) تناسب بیشتری وجود دارد که قانون کشور دیگری باشد قاعده عمومی جایگزین می‌شود و قانون حاکم برای تعیین مورد یا موارد، قانون آن کشور خواهد بود. ۲- عناصری که می‌توانند به عنوان عناصر مرتبط

1. Bablock V Jackson

2. 12 Choice of applicable law: displacement of general rule:

(1) If it appears, in all the circumstances, from a comparison of (a) the significance of the factors which connect a tort or delict with the country whose law would be the applicable law under the general rule; and (b) the significance of any factors connecting the tort or delict with another country, that it is substantially more appropriate for the applicable law for determining the issues arising in the case, or any of those issues, to be the law of the other country, the general rule is displaced and the applicable law for determining those issues or that issue (as the case may be) is the law of that other country.

(2) The factors that may be taken into account as connecting a tort or delict with a country for the purposes of this section include, in particular, factors relating to the parties, to any of the events which constitute the tort or delict in question or to any of the circumstances or consequences of those events.

برای تعیین چنین انتخابی) به طور خاص به حساب آیند عبارتند از: عناصر مرتبط با طرفین هر گونه وقایعی که با فعل زیانبار و شبه جرم را در مسئله تشکیل می‌دهد یا هر گونه شرایط یا وقایع آن پرونده^۱. تغییر رویه دادگاه‌های انگلیس پیرامون تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی بر کشورهای تابع نظام کامن‌لا نیز تأثیر گذاشت به طوری که دادگاه‌های استرالیا به طور سنتی از قاعده تجانس و همانندی در مورد تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی پیروی می‌کردند. با وجود این در سال ۲۰۰۲ قاعده محل وقوع فعل زیانبار در پرونده کارخانه دولتی رنو به طرفیت ژانگ جانشین قاعده تجانس و همانندی شد. همچنین حقوق کانادا نیز به طور سنتی از قواعد کامن‌لا پیروی می‌کرد و قاعده تجانس و همانندی حاکم بود تا اینکه سرانجام قاعده مزبور مورد انتقاد قرار گرفت و قاعده محل وقوع فعل زیانبار به عنوان قاعده قابل اعمال در دعاوی مربوط به مسئولیت مدنی اعمال شد (Milis, 2009: 162).

۲- قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران

در این قسمت قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران و آراء و دیدگاه‌های پیرامون آن را بررسی می‌کنیم. بر این اساس، نخست وضعیت قانون مدنی را تبیین و سپس اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار را تحلیل می‌کنیم.

۲-۱- قانون مدنی و راه‌حل‌های ارائه شده

برخلاف قوانین مدنی بسیاری از کشورها قانون مدنی ایران در خصوص قواعد حل تعارض حاکم بر مسئولیت مدنی ساکت است و در این قانون ماده‌ای که در ارتباط با قانون حاکم بر مسئولیت مدنی باشد ملاحظه نمی‌گردد. با این حال در این خصوص چند فرض را می‌توان تصور نمود: فرض اول، اعمال قانون مقر دادگاه: یکی از اصول بنیادین حقوقی در دعاوی بین‌المللی اصل سرزمینی بودن قوانین است به موجب اصل مزبور قوانین هر کشوری در قلمرو هوایی، دریایی و زمینی آن کشور اعمال می‌گردد و کلیه اشخاصی که در آن قلمرو ساکن هستند ناگزیر از تبعیت از آن قانون هستند در موضوع مورد بحث، با توجه به عدم وجود قاعده‌ای خاص در خصوص قواعد حل تعارض حاکم بر مسئولیت مدنی با اتکاء به ماده ۵ قانون مدنی و اصل سرزمینی بودن قوانین می‌توان قائل به اجرای قانون مقر دادگاه (قانون مدنی ایران) شد. یکی از حقوقدانان معتقد است: «در مقام رفع تعارض قوانین، هر جا که تردید در اجرای قانون خارجی

1. Regie National des usines Renault V Zhang

باشد اصل، اجرای قانون ایران، درباره ساکنان است» (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۸). بعضی دیگر گفته‌اند در حقوق ایران، قاعده کلی تعارض قوانین، درون‌مرزی هستند و حاکمیت برون‌مرزی قوانین نیاز به تصریح دارد که در اینجا وجود ندارد (نصیری، ۱۳۷۱: ۱۲۵-۱۴۲).

اعمال این فرض، از این مزیت برخوردار است که در خصوص قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی تعیین تکلیف می‌نماید و دادرس را از سرگردانی نبودن قاعده رها می‌سازد. با وجود این، اعمال این فرض با ایراداتی مواجه است: اساساً چه دلیلی وجود دارد که به صرف مراجعه به دادگاه ایرانی قانون ایران در این مورد حاکم باشد؛ به عبارت دیگر، اجرای قانون مدنی ایران در فرضی که اصحاب دعوا هر دو تبعه خارجی بوده و محل وقوع فعل زیانبار نیز خارج از قلمرو ایران باشد واجد هیچ‌گونه تناسبی نیست. همچنین اعمال این فرض، این اختیار را به خواهان می‌دهد که اگر قانون ایران را مناسب به حال خویش دید به دادگاه مراجعه کند؛ و اگر قانون ایران به ضرر وی بود از مراجعه به قانون ایران خودداری کند.

فرض دوم، اعمال قانون مناسب: طبق این فرض بهترین گزینه در خصوص قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی قانون مناسب است.^۱ در واقع در مسائل مربوط به مسئولیت مدنی در حقوق بین‌الملل خصوصی بهتر است که دادرس با مراجعه به اوضاع و احوال موجود در پرونده و با توجه به شرایط خاص دعوا از قبیل تابعیت طرفین دعوا، اقامتگاه طرفین دعوا، محل وقوع فعل زیانبار و غیره، از میان قانون مقر دادگاه، قانون محل وقوع فعل زیانبار، قاعده سبب و منشاء وقوع فعل زیانبار، قانون مناسب را انتخاب کند. اعمال این فرض در حقوق ایران از این مزیت برخوردار است که نظریه اعمال قانون مناسب همگام با جدیدترین دکترین پذیرفته‌شده در ایالات متحده است. افزون بر این اعمال این نظریه، فاقد ایرادات نظریه قانون مقر دادگاه است. با وجود این اعمال مطلق این نظریه در حقوق ایران خالی از اشکال نیست. نظریه اعمال قانون مناسب هیچ‌گونه راه‌حلی را ارائه نمی‌دهد. از طرفی اعمال قانون مناسب نیز امر نسبی است و ممکن است در یک دعوا قانون یک کشور حاکم باشد و در پرونده‌ای مشابه، قانون کشور دیگر حاکم باشد و این امر منجر به تشتت آراء محاکم می‌شود. البته علت این امر نبود قاعده‌ای ثابت در این خصوص است.

۱. برخی از حقوقدانان مسائل را به دو دسته تقسیم کرده‌اند و در خصوص مسائل دارای جنبه سیاسی معتقد به اجرای موفق اصولی هستند و در مورد مسائل حقوقی (مثل قراردادهای) قائل به اجرای قانون مناسب هستند. مسائل مسئولیت مدنی واجد آثار حقوقی است. بر این اساس باید قائل به اجرای قانون مناسب شد (الماسی، ۱۳۹۰: ۵۴)؛ (الماسی، ۱۳۸۷: ۳).

۲-۲- بررسی امکان اعمال قاعده محل وقوع فعل زیانبار در حقوق ایران

قانون محل وقوع فعل زیانبار در خصوص مسائل مسئولیت مدنی در دعاوی حقوق بین‌الملل خصوصی در حقوق بسیاری از کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است: ماده ۲۰ قانون مدنی الجزایر، ماده ۲۲ قانون مدنی اردن، قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ترکیه، قانون حقوق بین‌الملل خصوصی آلمان مصوب ۱۹۷۵، ماده ۲۱ قانون مدنی مصر، ماده ۲۱ قانون مدنی لیبی، ماده ۲۲ قانون مدنی سوریه، ماده ۲۷ قانون مدنی عراق، ماده ۲۸ قانون مدنی سوئدان و ... از نظریه قانون محل وقوع فعل زیانبار استفاده شده است. در ابتدای امر به نظر می‌رسد که در حقوق ایران نیز بتوان از این قاعده پیروی کرد، چرا که قاعده مزبور از اصول بنیادین حقوق بین‌المللی خصوصی است و با اتکاء به ماده سه قانون آیین دادرسی مدنی «اجرای اصول حقوقی» (در صورت سکوت قانون)^۱ می‌توان قائل به اجرای قانون محل وقوع فعل زیانبار شد. برخی از نویسندگان از این نظر پیروی کرده‌اند (سلجوقی، ۱۳۸۹: ۳۹۶). یکی از استادان نیز به وحدت ملاک ماده ۹۶۸ ق.م. در خصوص تعهدات ناشی از عقد، قائل به اجرای قانون محل وقوع زیانبار در خصوص وقایع حقوقی و ضمان قهری است (کانونیان، ۱۳۸۴: ۵۸۴).

با وجود این اعمال نظریه مزبور با ایراداتی مواجه است ممکن است اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار هیچ‌گونه سنخیتی با اوضاع و احوال موجود در پرونده نداشته باشد. به طور مثال هر گاه متعاقدين تابعیت یکسانی داشته باشند ولی فعل زیانبار در کشور بیگانه تحقق یافته باشد، اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار (قانون کشور بیگانه) منجر به نتایج ناعادلانه‌ای می‌گردد. همچنین کشورهایی که از نظریه قانون محل وقوع فعل زیانبار پیروی می‌کنند هیچ‌گاه قاعده مزبور را به طور مطلق اجرا نمی‌کنند و هر گاه بر طبق محل وقوع فعل زیانبار مدعی، ذی‌حق باشد اما بر طبق قانون مقر دادگاه حقی برای وی به اثبات نرسد، ادعای وی با شکست مواجه می‌گردد (یوسف، بی‌تا: ۷)؛ (عبدالله، ۱۹۸۶: ۵۱۴). همچنین در برخی موارد در مورد محل وقوع فعل زیانبار ممکن است اختلاف نظر حاصل شود (Gottschalk, 2007: 277). مضافاً در فرضی که محل وقوع فعل زیانبار نامشخص باشد، یا فعل زیانبار در محدوده جغرافیایی چند

۱. ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند، در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض با سند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد با استناد به منابع معتبر یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم قضیه را صادر نمایند ...».

کشور مختلف واقع شده باشد، یا محل وقوع فعل زیانبار در حاکمیت هیچ کشوری نباشد (همانند تصادم دو کشتی یا دو هواپیما در دریا و فضای بین‌المللی)، یا فعل زیانبار در نقطه صفر مرزی تحقق یابد، اجرای قاعده محل وقوع فعل زیانبار با دشواری مواجه می‌گردد؛ و آن‌ها که از قاعده مزبور پیروی کرده‌اند دچار تکلف شده‌اند، اگر چه راه‌حل‌هایی را ارائه نموده‌اند (الهداوی، ۱۹۹۷: ۱۶۱)؛ (الکسوانی، ۱۴۳۱: ۴۷۳)؛ (الهوری، ۱۹۹۷: ۴۷۲).

برخی نیز معتقدند که در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران بهتر است قاعده محل وقوع فعل زیانبار را مبنا قرار داده و در پاره‌ای از موارد استثنائی، قانون مناسب اعمال شود (ذهابی، ۱۳۸۱: ۱۲۴ به بعد). همچنین در خصوص مسئولیت کارفرما در مورد خساراتی که کارگران آن‌ها به اشخاص ثالث وارد می‌گردد، مطابق اصل کلی، قانون محل وقوع فعل زیانبار حاکم است. اما چنانچه محل وقوع فعل زیانبار و محل خسارت متعدد باشد قانون محل خسارت حاکم می‌گردد. همچنین در خصوص قانون حاکم بر حوادث جاده‌ای تمایل بر این است که قانون مناسب (قانون اقامتگاه، قانون ملیت طرفین) جایگزین قانون محل وقوع فعل زیانبار شود. پیرامون مسئولیت مدنی تولیدکننده و سازندگان کالا، اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار با این ایراد مواجه است که در برخی موارد تولیدکنندگان انتظار مصرف کالای تولید شده را در منطقه خاصی ندارند، در نتیجه آن‌ها ملزم به رعایت ضوابط (ضوابط تولید) در منطقه مزبور نیستند. در صورت بروز حادثه ناشی از تولید در آن منطقه، قانون کشور مزبور نباید قانون صالح باشد (الماسی، ۱۳۸۷: ۱۳، ۱۶، ۲۲).

نظریه مزبور در حقوق انگلستان مورد پذیرش قرار گرفته که آمیزه‌ای از قانون محل وقوع فعل زیانبار (قانون فرانسه) و قانون مناسب (حقوق آمریکا) است.

۲-۳- تحلیل و ارزیابی

به نظر می‌رسد در حقوق ایران باید دیدگاهی را که ترکیبی از قانون محل وقوع فعل زیانبار و قانون مناسب است، پذیرفت. در تأیید و تقویت این دیدگاه می‌توان گفت در حال حاضر با توجه به فقدان قاعده خاص در خصوص مسئولیت مدنی، محاکم ناگزیر از پذیرش قانون مقرر دادگاه هستند (خواه محل وقوع فعل زیانبار در ایران باشد یا خارج از ایران). با وجود این در صورت وضع قانونی در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی بهتر است که قانون محل وقوع فعل زیانبار قانون حاکم بر دعوی مسئولیت مدنی در دعوی حقوق بین‌الملل خصوصی باشد و در مواردی که از اوضاع و احوال موجود در پرونده بتوان قانون کشور ثالث را مناسب دانست آن

قانون را اعمال نمود. برای اثبات این نظر می‌توان چنین استدلال نمود:

۱- اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار با خواست و اراده مشترک طرفین دعوا مطابقت دارد، چرا که هر گاه اشخاص در کشوری زندگی می‌کنند ناگزیر از پیروی از قانون آن کشور هستند، لذا در صورت نقض قانون آن کشور و بروز خسارت، اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار بهترین گزینه می‌باشد.

۲- هیچ‌یک از نظرات ذکر شده (قانون مقر دادگاه، قانون مناسب و ...) انعطاف ندارد؛ در حالی که بر طبق این نظریه، دادگاه می‌تواند در پاره‌ای از موارد قانون مناسب را قائم مقام قانون محل وقوع فعل زیانبار کند. به عبارت دیگر، در کلیه نظریه‌های مذکور، دادگاه مکلف به اجرای قانون مربوطه است حتی اگر آن قانون هیچ‌گونه سنخیتی با وقایع موجود در پرونده نداشته باشد. اما مطابق این نظریه دادگاه می‌تواند از اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار خودداری کند و قانون دیگری را جانشین آن سازد.

۳- اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار مبتنی بر این فرض است که آن قانون نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین ارتباط را با وقایع موجود در پرونده دارد و از طرفی رسالت قواعد حل تعارض یافتن بهترین و مناسب‌ترین قانون برای پرونده است. در نظریه مذکور دادرسی می‌تواند قانون محل وقوع فعل زیانبار را اعمال کند و اگر آن قانون سنخیتی با اوضاع و احوال موجود در پرونده نداشت قانون بهتر و مناسب‌تری را قائم مقام آن سازد.

۳- مقایسه حقوق ایران و حقوق انگلیس

در این بند به مقایسه حقوق ایران و انگلستان می‌پردازیم؛ بر این اساس نخست به ذکر وجود تشابه و افتراق قانون مدنی ایران و قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس می‌پردازیم و سپس وجوه اشتراک و افتراق قوانین مذکور را بیان می‌کنیم.

۳-۱- وجوه تشابه و وجوه افتراق

قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس و قانون مدنی ایران دارای وجوه تشابه و افتراق فراوانی هستند.

۳-۱-۱- وجوه تشابه

قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس و قانون مدنی ایران دارای وجوه تشابه‌ی می‌باشند که در ذیل بیان می‌گردد:

الف- هنگامی که فعل زیانبار در قلمرو دریایی و هوایی و زمینی انگلیس رخ داده باشد، قانون انگلستان قانون صالح می‌باشد (ماده ۱۱ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی). در حقوق ایران نیز به‌رغم اینکه قاعده محل وقوع فعل زیانبار مورد پذیرش قانون مدنی قرار نگرفته است ولی با اتکاء به اصل سرزمینی بودن قوانین و ماده ۵ قانون مدنی می‌توان قائل به اجرای قانون ایران شد.

ب- طبق قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس هر گاه اجرای قانون خارجی برخلاف نظم عمومی انگلیس باشد، دادگاه می‌تواند از اجرای آن قانون خودداری کند. به عبارت دیگر، هر چند به موجب قواعد حل تعارض انگلیس، قانون خارجی (قانون محل وقوع فعل زیانبار) قانون صالح باشد، ولی قانون مزبور برخلاف نظم عمومی باشد قاضی داخلی می‌تواند از اجرای آن قانون جلوگیری کند (قسمت چهارم ماده ۱۴). در حقوق ایران نیز یکی از موانع اجرای قانون خارجی، مخالفت با نظم عمومی است که دادگاه می‌تواند از اجرای آن خودداری کند (ماده ۹۷۵ قانون مدنی).

۳-۱-۲- وجوه افتراق

قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس و قانون مدنی ایران تفاوت‌هایی دارند که در ذیل به ذکر آن‌ها می‌پردازیم:

الف- در حقوق انگلیس افترا از دعاوی مربوط به مسئولیت مدنی است و طبق قانون حقوق بین‌الملل خصوصی قواعد کامن‌لا در خصوص این دعاوی همچنان حاکم می‌باشند (قاعده تجانس و همانندی) (ماده ۱۳ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی). این در حالی است که هر گاه دعوی افترا نزد محاکم ایران مطرح شوند دادگاه‌های جزایی اقدام به رسیدگی می‌نمایند و قانون مجازات اسلامی ایران قانون حاکم می‌باشد؛ به عبارت دیگر، در حقوق ایران برخلاف حقوق انگلیس افترا در دعاوی مسئولیت مدنی در عرصه حقوق بین‌الملل خصوصی قابل طرح نیست و دادگاه‌های حقوقی به دعاوی افترا رسیدگی نمی‌کنند.

ب- در حقوق انگلیس قاعده محل وقوع فعل زیانبار، قاعده حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی در حقوق بین‌الملل خصوصی است (ماده ۱۱ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس). در حالی که در حقوق ایران در این خصوص قاعده معین و ثابتی ملاحظه نمی‌گردد و در صورت طرح دعوا در دادگاه‌های ایران دادرس ناگزیر از اجرای قانون مدنی ایران است (اصل سرزمینی بودن قوانین و ماده ۵ قانون مدنی).

۳-۲- مزایا و معایب

قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس و قانون مدنی ایران دارای مزایا و معایب متعددی هستند که در ذیل به ذکر آنها می‌پردازیم.

۳-۲-۱- مزایا

مزایای قانون مدنی ایران نسبت به قانون حقوق بین‌المللی خصوصی انگلیس عبارت است از:
الف- در حقوق ایران، در خصوص اینکه آیا اشخاص می‌توانند با تراضی قانون حاکم بر مسئولیت مدنی را انتخاب نمایند، اختلاف نظر وجود دارد. یکی از استادان ماده ۹۶۸ ق.م.را تفسیری محدود می‌کند و آن را در فرضی که متعاقدين تبعه خارجی باشد قابل اجرا می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۵۸۴). در مقابل برخی معتقدند با توجه به اصل اباحه و ماده ۹۶۸ ق.م. متعاقدين می‌توانند با تراضی یکدیگر قانون حاکم بر مسئولیت مدنی را تعیین نمایند؛ در این مورد تفاوتی ندارد که طرفین دارای تابعیت غیر ایرانی یا ایرانی باشند، در حالی که در حقوق انگلیس در این مورد تردیدهای به عمل آمده است. برخی نیز معتقدند طرفین دعوا نمی‌توانند قانون حاکم بر مسئولیت مدنی را تعیین کنند (Mayss, 1996: 135).

ب- گفته شد که در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران با توجه به سکوت قانون، قاضی در دعاوی بین‌الملل خصوصی ناگزیر از اعمال قانون مقر دادگاه نسبت به دعاوی مسئولیت مدنی است. اعمال قانون مقر دادگاه توسط دادگاه‌های ایران با مسئله ضرورت حمایت از تابعین و جلوگیری از تضییع حق آنها مطابقت دارد؛ در واقع اعمال قانون بیگانه توسط محاکم انگلیس در پاره‌ای موارد ممکن است منجر به تضییع حق آنان گردد، زیرا ممکن است فعل زیانبار طبق قانون محل وقوع اساساً موجب ضمان نباشد، در حالی که طبق قانون مقر دادگاه (قانون انگلیس) فعل مزبور موجب مسئولیت گردد. مضافاً ممکن است که در محل وقوع فعل زیانبار قانونی وجود نداشته باشد و مدعی از احقاق حق خود در محاکم انگلیس بر طبق قاعده محل وقوع فعل زیانبار ناامید گردد.

۳-۲-۲- معایب

معایب قانون مدنی ایران نسبت به قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس عبارتند از:
الف- در قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس قاعده محل وقوع فعل زیانبار پذیرفته شده و قاعده مزبور از قواعد مهم حقوق بین‌الملل خصوصی است که در بسیاری از کنوانسیون‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است. بنابراین قانون انگلستان با مسائل روزمره

حقوق بین‌الملل مطابقت دارد، اما قانون مدنی ایران هیچ‌گونه قاعده‌ای برای حل تعارض در خصوص مسائل مربوط به مسئولیت مدنی ندارد و دادرس نیز ناگزیر از اجرای قانون مقرر دادگاه است.

ب- قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس نسبت به قانون مدنی ایران از انعطاف برخوردار است. همان‌طور که گفته شد دادرسی انگلیسی می‌تواند در پاره‌ای از موارد با توجه به شرایط و اوضاع و احوال از اجرای قانون محل وقوع فعل زیانبار خودداری کرده و قانون مناسب را جایگزین آن کند (ماده ۱۲ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس). این در حالی است که در حقوق ایران تنها قانون صالح قانون مقرر دادگاه است و دادرس ایرانی نمی‌تواند قانون کشور دیگری را جایگزین آن نماید، بنابراین اگر طرفین دعوا تبعه ایران باشند و تمام روابط حقوقی آنان خارج از ایران باشد، دادرس باید به صرف اینکه فعل زیانبار در قلمرو سرزمینی ایران اتفاق افتاده است یا به دادگاه ایرانی مراجعه شده است قانون ایران را حاکم نماید.

ج- اعمال قانون محل وقوع فعل زیانبار در حقوق انگلیس و حکومت قانون کشور بیگانه منطبق با اوضاع و احوال موجود در پرونده است و بر این اساس هر گاه فعل زیانبار در هر محلی رخ دهد، قانون آن کشور قانون حاکم بر دعوا است؛ اما در حقوق ایران حکومت قانون مقرر دادگاه واجد هیچ‌گونه سختی نیست.

نتیجه‌گیری

وقوع رخدادها و حوادث زیانبار در جهان امروز که روابط و تعاملات ملت‌ها با یکدیگر رو به افزایش است امری اجتناب‌ناپذیر است. ضرورت وضع قوانین و قواعدی مناسب در جهت حکومت بر روابط مزبور لازم و ضروری است. حقوق همواره باید همگام با دگرگونی‌ها و تحولات باشد. رشد پیشرفت و تکنولوژی همان‌گونه که موجب پیشرفت جامعه بشری شده است مشکلاتی را نیز به وجود آورده است. وقوع حوادث زیانبار در کشورهای مختلف و مطالبه خسارت ناشی از آنها توسط اتباع کشورهای دیگر از مسائل مبتلا به در حقوق بین‌الملل خصوصی است. در حقوق ایران قاعده‌ای برای حل تعارض در خصوص مسائل مربوط به مسئولیت مدنی وجود ندارد و در حال حاضر در صورت طرح دعوا در دادگاه‌های ایران دادرس ناگزیر از اعمال قانون مقرر دادگاه است. این در حالی است که مسئله مزبور در حقوق انگلیس سابقه‌ای طولانی دارد و رویه قضایی انگلستان مسیری طولانی را در این خصوص طی کرده است. حقوق انگلستان سرانجام پس از سال‌ها، قاعده محل وقوع فعل زیانبار را جایگزین قاعده

تجانس و همانندی کرد. البته حقوق انگلیس به طور مطلق قاعده مزبور را اعمال نمی‌کند و در موارد استثناء قاعده قانون مناسب را جایگزین آن می‌سازد. حقیقت این است که هیچ‌یک از قواعد حل تعارض در مسئولیت مدنی نمی‌تواند در همه موارد پاسخگو باشد و هر یک از قواعد (قانون مقرر، قانون محل وقوع فعل زیانبار، قانون مناسب) تنها بخش‌هایی از واقعیت را تحت پوشش قرار می‌دهد. قانون حقوق بین‌الملل خصوصی انگلیس مصوب ۱۹۹۵ با در نظر گرفتن این مسئله، قانون مناسب را در برخی موارد قائم مقام قانون محل وقوع فعل زیانبار می‌کند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه این قاعده منطبق با جدیدترین دکترین‌های پذیرفته شده در دنیا است و از نقایص کمتری نسبت به راه‌حل‌های مشابه برخوردار است، راه‌حل مناسب برای حقوق ایران نیز باشد.

منابع

الف - فارسی

۱. الماسی، نجاد علی؛ *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ یازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
۲. الماسی، نجاد علی؛ میرحسینی، مجید؛ «حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم مسئولیت مدنی در مقررات متحدالشکل روم دو و حقوق ایران»، فصل‌نامه حقوق خصوصی، سال هفتم، پردیس قم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، شماره ۱۷.
۳. الماسی، نجاد علی؛ افضل‌ی مهر، مرضیه؛ «قانون حاکم بر شبه عقد در تعارض قوانین»، مجله نامه مفید، ۱۳۸۷، شماره ۷۰.
۴. الماسی، نجاد علی؛ افضل‌ی مهر، مرضیه؛ «قانون حاکم بر شبه عقد در تعارض قوانین»، مجله نامه مفید، ۱۳۸۷، شماره ۶۷.
۵. سلجوقی، محمود؛ *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
۶. کاتوزیان، ناصر؛ *قانون مدنی در نظم حقوق کنونی*، تهران، نشر میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴.
۷. صالحی ذهابی، جمال؛ «مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین»، فصل‌نامه صنعت بیمه، پژوهشکده بیمه، سال هفدهم، ۱۳۸۱، شماره ۳.
۸. نصیری، محمد؛ *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۷۱.

ب - عربی

۹. الکسوانی، عامر محمد؛ *موسوعه القانون الدولي خاص*، چاپ اول، عمان (اردن)، دار الثقافة، ۱۴۳۱ه.ق.
۱۰. عبدالله، عزالدین؛ *القانون الدولي خاص*، جلد دوم، مصر، هیئته المصریه العامه للكتاب، چاپ نهم، ۱۹۸۶م.

١١. الهواري، احمد محمد؛ *الوجيز في القانون الدولي خاص الاماراتي*، چاپ دوم، عمان (اردن)، اثناء للنشر و التوزيع، ١٩٧٠م.
١٢. الهداوي، حسن؛ *القانون الدولي خاص*، تنازع القوانين، عمان (اردن)، دارالثقافه للنشر و التوزيع، چاپ دوم، ١٩٩٧م.
١٣. يوسف، بن حموده؛ *القانون التطبيق على التزامات غير التعاقدية*، ١٦ صفحه، موقع: <http://www.4algeria.com>

ج - لاتين

14. Chuoh, Jason & kaczowska, Alina; *Conflict of Laws*, Second edition, Cavendish Publishing Limited, London, 2000.
15. Collier, J,G; *Conflict of Laws*, Third edition, Cambridge University Press, United kingdom, 2001.
16. Gottschalk, Eckart & Michaels, Ralf & Ruhl, Glesela & Von hein, Jan; *Conflict of Laws In a Globalized World*, First published, Cambridge University press, United kingdom, 2007.
17. Milis, Alex; *The Confluence of Public And Private International Law*, First Published, Cambridge University, Press, United kingdom, 2009.
18. Mayss, Abla; *Principles of Conflict of Law*, Cavendish Publishing Limited, Second edition, London, 1996.
19. O'Brien, John; *Conflict of Laws*, Second edition, Cavendish Publishing Limited, London, 1999.
20. Yeo, Tiong; "The Effect of Contract On The Law Governing, Clam In Tort And Equity", Year Book Of Private International Law, ed Andred Bonomi & Paul Volken, St mpfi Publisher. Berne, Germany, 2008.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی